

# به بهانه‌های مختلف نمی‌گذارد بچه‌دار شویم

Photo: [liyavihola/shutterstock.com](http://liyavihola/shutterstock.com)

موسی برزین، وکیل خانه امن

**پرسش:** سلام. من خانمی 33 ساله هستم که چهار سال پیش ازدواج کرده‌ام. شوهرم یکی از اقوام دور است که قبل از ازدواج هیچ شناختی ازش نداشتم، چون شهر محل سکونتمان با هم فرق می‌کرد. چند مشکل حل‌نشده‌ای با شوهرم دارم. خواهش می‌کنم من را راهنمایی کنید. شوهرم به بهانه‌های مختلف نمی‌گذارد بچه‌دار شویم. یک روز می‌گوید زود است، یک روز می‌گوید شرایطش را نداریم، یک روز می‌گوید برویم خارج بعد بچه‌دار هم می‌شویم و از این بهانه‌ها. خانواده هم من را تحت فشار قرار داده که چرا بچه ندارید و همه به جورایی به من فشار می‌آورند. خود من هم می‌خواهم بچه دار شوم. این مساله خیلی از لحاظ روانی به من فشار می‌آورد چون یواش یواش سن من هم دارد بالا می‌رود. سر این مساله چند بار دعوا و مشاجره کردیم اما شوهرم قبول نمی‌کند.

مشکل دیگر این است که همسرم بسیار بدبین است و دائم من را کنترل می‌کند. از تلگرام گرفته تا مکالمه‌هایم را هر روز کنترل می‌کند و بعد از کنترل شروع به بحث و درگیری می‌کند که چرا من این همه سرم در گوشی است. می‌خواستم کلاس موسیقی بروم که مخالفت کرد. کلا جلوی رشد و پیشرفت من را گرفته و اهمیتی به زندگی و علائق من نمی‌دهد. واقعا تحمل و صبرم تمام شده است. خواستم بدانم آیا او حق دارد جلوی بچه‌دار شدن من را بگیرد؟ یا حق دارد نگذارد فعالیت‌های اجتماعی کنم؟ من چه کار می‌توانم بکنم؟

**پاسخ:** سلام خانم محترم! قبل از ورود به جنبه حقوقی سؤالتان، عرض شود بهتر است با یک مشاور خانواده در این مورد صحبت کرده و همچنین از بزرگترهای خانواده برای رفع مشکلاتان استفاده کنید. در مورد فرزندآوری و اینکه آیا زوجین حتما باید فرزند داشته باشند، مطلبی در قوانین نیامده است اما بر اساس اصول حقوقی می‌توان گفت که هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند طرف دیگر را مجبور به فرزندآوری کند، زیرا داشتن فرزند امری است که باید با تصمیم زن و شوهر با هم محقق شود. از لحاظ عملی هم الزام شوهر به فرزندآوری امکان ندارد. یعنی اگر هم بر فرض مثال، دادگاه حکم الزام به فرزندآوری بدهد این حکم قابل اجرا نیست، اما اگر زن باردار شود مرد نمی‌تواند بگوید چون من راضی نبودم باید جنین سقط شود. با این وجود اگر شوهر از باردار شدن زن جلوگیری می‌کند، این امر می‌تواند دلیلی برای تقاضای طلاق از سوی زن باشد. بر اساس ماده 1130 قانون مدنی ایران، زوجه در صورت عسر و حرج می‌تواند تقاضای طلاق کند. عسر و حرج یعنی وضعیت مشقت و سختی. بدون شک ممانعت از بارداری توسط شوهر نسبت به زنی که 33 سال دارد، برای او از لحاظ روانی مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده و از مصادیق عسر و حرج است.

بیشتر بخوانید:

[آیا رضایت شرط ازدواج نیست؟](#)

[آیا دادگاه بچه‌ها را به من می‌دهد؟](#)

[شکنجه کودک به دست پدر: چه باید کرد؟](#)

**پرسش:** پس اگر شوهرم در نهایت راضی نشود می‌توانم طلاق بگیرم؟ یعنی راحت حکم طلاق صادر می‌کنند؟

**پاسخ:** بله می‌توانید تقاضای طلاق بدهید و به احتمال بسیار دادگاه این تقاضا را می‌پذیرد، اما اینکه آسان است یا نه بستگی به شعبه رسیدگی کننده دارد. می‌توان گفت گرچه دشوار نیست ولی ممکن است کمی طول بکشد.

**پرسش:** در مورد رفتارهای دیگر چه؟ آیا در قانون نیامده که مرد حق کنترل زن را ندارد و یا اینکه نباید محدودش کند؟

**پاسخ:** متأسفانه در این مورد هم قوانین ساکت هستند. اینکه شوهر حق دارد روابط همسرش را کنترل کند در قوانین ذکر نشده است. البته در قوانین مختلف ماده‌هایی وجود دارد که نقض حریم خصوصی و تجسس بدون اجازه را جرم‌انگاری کرده است، اما این ماده‌ها ناظر به روابط خانوادگی نیست. با این وجود بر اساس اصل بیست و پنجم قانون اساسی: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» با توجه به این اصل می‌توان گفت تجسس در ارتباطات مخابراتی همسر یا عضو دیگری از خانواده ممنوع است، اما این اصل ضمانت اجرا ندارد و در عمل بعید است که محاکم دادگستری مرد را از کنترل همسر خود بازدارند. اما اگر این کنترل در کنار بدرفتاری‌های دیگر، مشقت و سختی برای زن ایجاد کند، به حدی که ادامه زندگی مشترک ممکن نباشد، در این صورت برای زن حق

طلاق بر اساس عسر و حرج ایجاد خواهد شد.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**پرسش:** خب پس قوانین ایران هیچ چیزی برای جلوگیری از رفتارهای شوهر من پیش‌بینی نکرده است؟ حالا اگر ایشان این کارش را ادامه بدهد و من دیگر بچه‌دار نشوم تکلیف چیست؟ آیا خسارتی چیزی پیش‌بینی نشده است؟ یا مجازاتی مثل زندان؟

**پاسخ:** از آنجا که بچه‌دار شدن یک امر مشترک است و الزامی هم برای زوجین در فرزندآوری پیش‌بینی نشده است، بنابراین ممانعت از بارداری توسط مرد جرم نیست. خسارت هم زمانی مطرح می‌شود که یا جرم و یا تقصیر و قصوری در میان باشد. در مورد ممانعت از بارداری و باردار نشدن دائمی زن، به نظر می‌رسد قوانین ایران راهکاری برای جبران خسارت پیش‌بینی نکرده است. شاید بتوان بر اساس قانون مسوولیت مدنی، استدلال کرد که چون عدم بارداری دائمی نوعی آسیب روانی و جسمی است و شوهر مسبب آن بوده است، باید جبران خسارت کند. این بستگی به برداشت قاضی رسیدگی‌کننده دارد، اما به هر حال قوانین در این مورد نقص دارند. همان‌طور که توضیح داده شد، تنها حق قطعی شما تقاضای طلاق و همچنین مطالبه حقوق مالی از جمله مهریه و اجرت‌المثل است.

## خانواده‌ام مانع از رفتن من به دانشگاه می‌شوند

Photo: JungHyun Lee//www.shutterstock.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**پرسش:** سلام. من یک دختر بیست ساله هستم که در شهرستان کوچکی زندگی می‌کنم. پدرم چند سال پیش درگذشته است و من همراه مادر و برادر بزرگ‌تر زندگی می‌کنم. مادر و برادرم خیلی با من بد رفتاری می‌کنند. همیشه من را زیر نظر دارند، به طوری که حتی برای بیرون رفتن باید از آنها اجازه آنها بگیرم. امسال در دانشگاه مرکز استان قبول شدم، اما به خاطر اینکه چند ساعت با شهر ما فاصله داشت، نگذاشتند ثبت‌نام کنم. مادر و برادرم می‌گویند حتی اجازه نمی‌دهند در دانشگاه آزاد شهر خودمان درس بخوانم. چون شهر ما دانشگاه دولتی ندارد، به همین دلیل یا باید در دانشگاه آزاد درس بخوانم یا به شهر دیگری بروم. خلاصه کاری می‌کنند که من اصلاً به دانشگاه نروم. مادرم حقوق پدرم را می‌گیرد، برادرم هم مغازه لباس‌فروشی دارد و درآمدش بد نیست. با این وجود به من پول خیلی کمی می‌دهند، چه برسد به هزینه دانشگاه. مادرم در خانه خیلی من را اذیت می‌کند. مرتب دعوا می‌کند و می‌گوید دانشگاه یعنی چه! زودتر ازدواج کن برو خانه شوهر. بدون اجازه من با فامیل و آشنایان صحبت می‌کند و برای من خواستگار می‌آورد. چند وقتی است که یکی از اقوام دورمان به خواستگاری من آمده است. مادرم سرخود قول داده و الان به من فشار می‌آورد که باید قبول کنم. آقایی که به خواستگاری‌ام آمده اصلاً مناسب زندگی نیست. بسیار خشونت طلب و عصبی است. در شهرمان به دعوا کردن شهرت دارد، ضمن اینکه فوق‌العاده سنتی است. اصلاً هیچ علاقه‌ای به او ندارم اما مادرم می‌گوید عشق و علاقه الکی است. خلاصه در وضعیت بدی قرار دارم. چند سوال دارم از شما و ممنون می‌شوم اگر راهنمایی کنید. آیا مادر و برادرم می‌توانند مانع رفتن من به دانشگاه شوند؟ آیا از نظر قانونی این حق را دارند؟ آیا مادرم موظف نیست هزینه‌های من را بپردازد؟

**پاسخ:** سلام. متأسفم از مشکلی که برای شما پیش آمده است. از لحاظ حقوقی شما چون به سن رشد رسیده‌اید، می‌توانید در مورد زندگی خودتان تصمیم بگیرید و احتیاجی به اجازه مادر یا برادر در هیچ چیزی ندارید. اگر می‌خواهید به دانشگاه بروید، از نظر قانون هیچ فردی نمی‌تواند مانع شما شود. اما در مورد هزینه‌های زندگی عرض شود که نفقه شما هم‌اکنون به عهده مادرتان است. نفقه نیز همان ضروریات زندگی است. بر اساس ماده 1204 قانون مدنی: «نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.» همان‌طور که از ماده پیداست، هزینه‌هایی که برای رفع حاجت ضروری است، شامل نفقه می‌شود. بنابراین هزینه تحصیل در دانشگاه و موارد مشابه جزء نفقه محسوب نمی‌شوند. اگر مسوول پرداخت نفقه از پرداخت آن خودداری کند، امکان شکایت کیفری از او و الزام به پرداخت نفقه وجود دارد. بر اساس ماده 53 قانون حمایت از خانواده مصوب 1391: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب

جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. «اما به نظر می‌رسد شما نمی‌توانید از این ماده استفاده کنید، زیرا که مادران هزینه‌های ضروری را پرداخت می‌کند. ضمن اینکه شکایت کیفری به صرف ندادن هزینه، ممکن است مشکلات دیگری را برایتان ایجاد کند.

بیشتر بخوانید:

[آیا رضایت شرط ازدواج نیست؟](#)

[آیا دادگاه بچه‌ها را به من می‌دهد؟](#)

[شکینجه کودک به دست پدر: چه باید کرد؟](#)

**پرسش:** نه، قصد شکایت ندارم، اما می‌خواهم از قوانین مطلع باشم. در مورد ازدواج چطور؟ آیا مادر و برادرم می‌توانند من را مجبور به ازدواج کنند؟

**پاسخ:** خیر. شما به هیچ وجه مجبور به اطاعت از نزدیکانتان در مورد ازدواج نیستید. یعنی مادران نمی‌توانند شما را وادار به ازدواج کنند. حتی در صورتی که تصمیم به ازدواج با فرد خاصی گرفته باشید، باز مادران از لحاظ قانونی نمی‌توانند مخالفت کنند. البته اگر پدر بزرگ پدری‌تان زنده باشند، برای ازدواج باید از ایشان اجازه بگیرید، زیرا بر اساس قانون مدنی ایران دختران برای ازدواج باید اجازه پدر یا جد پدری را داشته باشند. اگر هر دو در قید حیات نباشند، دیگر اجازه گرفتن از اشخاص دیگر از جمله مادر لازم نیست.

**پرسش:** پس اینکه مادرم این همه فشار روانی به من وارد می‌کند، قانون منعش نمی‌کند؟

**پاسخ:** توجه کنید که باید نوع فشار روانی مشخص شود. اگر توهین و یا افتزایی صورت بگیرد، جرم اتفاق افتاده است، اما مسائل دیگر از جمله بدرفتاری، کنترل کردن یا اصرار بر ازدواج جایگاهی در قوانین ندارند. گرچه قوانین اجازه چنین رفتارهایی را نداده است، اما مقرراتی هم راجع به آن ندارد. توجه کنید که قوانین نمی‌توانند هر رفتار نادرستی را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین کنند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**پرسش:** به نظر شما من چه کار می‌توانم بکنم تا مادر و برادرم اصلاح شوند؟

**پاسخ:** بهتر است به یک مشاور خانواده رجوع کنید تا در مورد نحوه برخورد با رفتارهای مادر و برادرتان با ایشان مشاوره کنید. گفتگوی منطقی و یا واسطه کردن بزرگترها شاید راهکار مناسبی باشد. در برخی موارد شاید بتوانید اقدام قضایی انجام دهید، اما توجه کنید اقدام قانونی ممکن است رابطه شما و خانواده‌تان را بدتر کند. معمولاً در مسائل خانوادگی اقدام قضایی به عنوان آخرین راه‌حل پیشنهاد می‌شود. اگر فکر می‌کنید که زندگی در خانه برای شما غیر قابل تحمل است و سبب آسیب‌های روحی روانی به شما می‌شود و رفتار مادر و برادرتان نیز در آینده نزدیک اصلاح‌ناشدنی است، می‌توانید به نحوی محل زندگی‌تان را جدا کنید. به عنوان مثال اگر در دانشگاهی در شهر دیگر تحصیل کنید، به هر حال برای چندین سال از خانه دور خواهید شد. به هر حال در این موارد حتماً با مشاور خانواده مشورت کنید.

## [بد رفتاری با فرزند خوانده](#)

Photo: JungHyun Lee//www.shutterstock.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**پرسش:** سلام. در همسایگی ما زن و شوهری زندگی می‌کنند که نزدیک به 10 سال است ازدواج کرده‌اند. به دلیل بچه‌دار نشدن خانم، سه سال قبل اقدام به گرفتن فرزندخوانده کردند و یک پسر دو ساله را از بهزیستی به عنوان فرزندخوانده قبول کردند. آن زمان از بهزیستی آمدند

تحقیق کردند، ما هم گفتیم مشکل خاصی ندارند. البته آن موقع زیاد نمی‌شناختمشان چون تازه به مجتمع ما آمده بودند. به هر حال اوایل خیلی خوشحال بودند و همه نیز این کار آنها را تقدیر می‌کردند، اما رفته رفته رفتارشان تغییر کرد و با فرزندخوانده شروع به بدرفتاری کردند. مثل اینکه پشیمان شده‌اند. الان آقا پسر 5 سال دارد. همیشه در خانه‌شان و حتی در حضور جمع با این آقا پسر بدرفتاری می‌کنند. مرتب صدای فریاد آقا و خانم به خانه ما می‌آید. با یکدیگر نیز اختلاف زیادی دارند و وقتی دعوا می‌کنند فحش‌های بسیار زشت و رکیک می‌دهند طوری که صدایشان در تمام ساختمان می‌پیچد. مداوم بچه را مورد تحقیر قرار می‌دهند. چند وقت پیش در حیاط مجتمع نشسته بودیم که خانم سر یک مساله معمولی برگشت به بچه فحش داد و گفت چه غلطی بود کردیم رفتیم تو را از بهزیستی آوردیم! بعدش هم با سلی زد به صورت بچه. همه ناراحت شدند و اعتراض کردند اما خانم با کمال پررویی گفت: «به شما چه! من این را از بدبختی نجات دادم و هر طور بخواهم رفتار می‌کنم!» «برایشان خیلی عادی شده که این بچه را کتک بزنند. هر وقت بچه یک شیطنتی می‌کند زن و شوهر شروع می‌کنند به کتک زدن بچه. خلاصه ما خانم‌های همسایه تصمیم گرفتیم یک کاری بکنیم اما نمی‌دانیم از کجا باید شروع کنیم و به کجا برویم؟ اگر ممکن است ما را راهنمایی کنید. آیا تصمیم درستی گرفته‌ایم؟ آیا اگر اقدام کنیم به نتیجه می‌رسد یا نه؟»

**پاسخ:** سلام. قبل از پاسخ باید بگویم که تصمیم درستی گرفته‌اید و این کار شما قابل تقدیر است. اگر بدرفتاری این زن و شوهر با بچه به حدی است که به مرحله خشونت رسیده و آینده بچه را به خطر می‌اندازد، حتما باید اقدام شود. برای شروع پیشنهاد می‌کنم همگی با این زن و شوهر صحبت کنید و تقاضا کنید که با یک مشاور خانواده یا یک روانشناس صحبت کنند. اگر پدر و مادر یا بزرگ‌تری دارند که ممکن است به حرفشان گوش دهند، حتما با آنها نیز صحبت کنید. پس از آن اگر نتیجه نداد، می‌توانید اقدام قانونی کنید. بر اساس قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست» افرادی که فرزند خوانده قبول می‌کنند، باید صلاحیت اخلاقی لازم را داشته باشند. همچنین بر طبق ماده ۷۱ این قانون: «تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۵۱) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است... بنابراین، این زن و شوهر حق بدرفتاری و خشونت با فرزندخوانده خود را ندارند. قانون مذکور سازمان بهزیستی را موظف به نظارت به رفتار سرپرستان کرده است. ماده 33 قانون بیان می‌کند که: «در کلیه مواردی که به موجب این قانون توسط دادگاه صالح برای کودکان و نوجوانان سرپرست تعیین می‌شود، دادگاه مکلف است رونوشت رای را جهت اطلاع به سازمان ارسال نماید. سازمان موظف است در طول دوره سرپرستی، نسبت به این دسته از افراد نظارت کند.»

بیشتر بخوانید:

[آیا رضایت شرط ازدواج نیست؟](#)

[آیا دادگاه بچه‌ها را به من می‌دهد؟](#)

[شکنجه کودک به دست پدر: چه باید کرد؟](#)

**پرسش:** پس آیا می‌توانیم به سازمان بهزیستی گزارش بدهیم؟

**پاسخ:** بله بر طبق ماده فوق شما می‌توانید مساله را به سازمان بهزیستی گزارش داده و خواهان انجام اقدامات قانونی شوید. بهتر است این گزارش دسته جمعی تهیه شود یعنی کتابی یک گزارش مفصل با ذکر جزئیات و تمام مواردی که شاهد بودید را تنظیم کرده و سپس به امضای همسایگان و یا هر فرد دیگری که از بدرفتاری مطلع است برسانید. این گزارش را به سازمان بهزیستی بدهید و خودتان شفاهی نیز با مسوولان سازمان صحبت کنید.

**پرسش:** آیا بهزیستی بچه را از این‌ها می‌گیرد و یا کار دیگری می‌کند؟

**پاسخ:** فسخ یا ابطال حکم سرپرستی در صلاحیت دادگاه بوده و بهزیستی به تنهایی نمی‌تواند در مورد آن تصمیم بگیرد، اما سازمان موظف است در مورد مساله تحقیق کند و به دادگاه اعلام کند. دادگاه نظر کارشناس را استعلام کرده و تحقیقات لازم را انجام می‌دهد. در نهایت اگر تشخیص بدهد که خشونت علیه کودک انجام شده، می‌تواند حکم سرپرستی را فسخ کند. اگر حکم سرپرستی فسخ شود، بچه از این زن و شوهر گرفته شده و به سازمان بهزیستی بازگردانده می‌شود.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**پرسش:** اگر سازمان بهزیستی رسیدگی نکند چه کار می‌توانیم بکنیم؟ آیا بدرفتاری این زن و شوهر جرم نیست؟

**پاسخ:** شما در عین حال می‌توانید مساله را به دادستان محل اقامتان نیز گزارش دهید. بر طبق ماده 4 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و

ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون (10 000 000) ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. «با توجه به این که این یک جرم عمومی است، دادستان لازم است گزارش شما را مورد توجه قرار دهد. توجه کنید که تمام گزارش‌هایتان را به صورت کتبی انجام دهید و سعی کنید مدارکی که بتواند اثبات‌کننده خشونت این زن و شوهر باشد را جمع‌آوری کنید. اگر دادستان گزارش شما را مستند بداند، علاوه بر اینکه موظف است نسبت به اعلام جرم علیه زن و شوهر اقدام کند، باید موضوع را به دادگاه صالح برای فسخ حکم سرپرستی اعلام کند.

**پرسش:** به نظرتان اگر ما این کار را بکنیم و بچه را از این‌ها بگیرند و به بهزیستی برگردانند بهتر است؟ یعنی به هر حال بهزیستی هم جای مناسبی نیست؟

**پاسخ:** در این مورد نمی‌توان پیشاپیش نظری داد. به هر حال متأسفانه کودکان بی‌سرپرست در هر صورتی با مشکلاتی مواجه هستند و امکان اینکه قربانی خشونت خانگی شوند وجود دارد، اما جلوگیری از اعمال خشونت علیه کودکان وظیفه اخلاقی هر انسانی است.

## پیشگیری از خشونت خانگی در ترکیه

Photo:karich//depositphotos.com

### موسی برزین، پژوهشگر حقوق

کشور ترکیه با جمعیتی نزدیک به 80 میلیون نفر، کشوری با اکثریت مسلمان و همسایه ایران است. این کشور پس از تاسیس جمهوریت در سال 1923، راه پر فراز و نشیبی در مبارزه با خشونت خانگی طی نموده است، طوری که امروز در بیشتر قوانین مهم کشور مساله خشونت علیه زنان و کودکان مورد توجه قرار گرفته است. ترکیه به تمامی کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حمایت از زنان و کودکان پیوسته و بر طبق قانون اساسی این کشور اگر قوانین داخلی با مقررات بین‌المللی در تعارض باشد، اجرای مقررات بین‌المللی مقدم است. در این مطلب تدابیر قانونی پیش‌بینی شده برای پیشگیری از خشونت خانگی و حمایت از قربانی در ترکیه بررسی می‌شود.

### قانون خشونت خانگی در ترکیه

اولین قانون ترکیه در مورد پیشگیری از خشونت خانگی، سال 1998 تصویب شد. این قانون، «این قانون، قانون حفاظت از خانواده» نام داشت. به دلیل نواقص زیاد این قانون، سال 2012 قانون به نسبت جامع و کامل دیگری با عنوان «قانون حفاظت از خانواده و پیشگیری از خشونت علیه زنان» تصویب شد که هم اکنون در حال اجرا است. در این قانون که تنها در مورد پیشگیری از خشونت علیه زنان و حمایت از قربانیان است، تدابیر کارآمدی برای پیشگیری از خشونت خانگی پیش‌بینی شده که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

بر طبق ماده 2 این قانون، خشونت خانگی عبارت است از هر نوع خشونت فیزیکی، جنسی، روانی و اقتصادی که از طرف یک هم‌خانه علیه هم‌خانه دیگر و یا اعضای یک خانواده علیه همدیگر اتفاق بیافتد. خشونت نیز عبارت است از رفتاری که باعث ضرر و آسیب فیزیکی، جنسی، روانی و اقتصادی به شخص شده و یا این آسیب‌ها در معرض وقوع باشد.

### قانون و نقش آمران محلی

بر اساس ماده 3 قانون ذکر شده، مسئولان محلی دارای اختیاراتی برای حمایت از قربانی خشونت خانگی هستند. آمران محلی افرادی مانند کدخدای محله و روستا، شهردار و استاندار هستند. این مسئولان به هنگام مشاهده یا دریافت گزارش خشونت خانگی، می‌توانند قربانی خشونت خانگی و در صورت لزوم کودکانی که با وی زندگی می‌کنند را در مکان امن و مناسب سکونت داده و به آن‌ها کمک مادی کنند و همچنین امکانات استفاده از خدمات مشاوره روانشناسی، حقوقی و اجتماعی را برایشان فراهم کنند. اگر خطر جانی متوجه قربانی خشونت خانگی باشد، می‌تواند اقدامات لازم برای محافظت از آن‌ها را انجام داده و در صورتی که قربانی شاغل باشد، فرزندان او را تحت شرایطی با بودجه دولتی در مهد کودک جای دهند. تدابیر حمایتی تنها شامل این موارد نشده و مسئولان محلی می‌توانند تدابیر

مشابه را نیز اعمال کنند.

واگذاری این اختیارات به مسئولان محلی، از این جهت مهم است که این مسئولان آشنا به محل خود بوده و در صورت وقوع خشونت خانگی، به سرعت می‌توانند برای حمایت از قربانی وارد عمل بشوند. در ترکیه هر محله و روستاها، یک نماینده با عنوان مختار یا همان کدخدا دارد که از اهالی همان محل بوده و از طرف مردم انتخاب می‌شود. این افراد معمولاً آگاهی کافی به خانواده‌های ساکن در حوزه خدمت خود دارند. با واگذاری این اختیارات به مسئولان محلی، قربانی می‌تواند به‌طور موقت از موقعیت خشونت‌بار رها شده تا تعیین تکلیف شود.

بیشتر بخوانید:

[آیا رضایت شرط ازدواج نیست؟](#)

[آیا دادگاه بچه‌ها را به من می‌دهد؟](#)

[شکنجه کودک به دست پدر: چه باید کرد؟](#)

## تدابیر حمایتی برای قربانیان خشونت خانگی

بر طبق ماده 4 قانون مذکور، قاضی برای حمایت از قربانی می‌تواند دستور انتقال شغلی قربانی خشونت خانگی را بدهد. یعنی اگر قربانی شاغل باشد و در محل کار مورد خشونت قرار گیرد، یا اینکه اعضای خانواده او در محل کار مزاحمش شوند، قاضی می‌تواند دستور دهد تا قربانی در محل دیگری مشغول به کار شود. همچنین قاضی اختیار دارد که دستور جداسازی محل زندگی قربانی از خشونت‌گر را صادر کند. یکی دیگر از اختیارات جالب قاضی این است که می‌تواند سند خانه مشترک را به خانه خانوادگی تبدیل کند. به این معنی که در برخی موارد ممکن است مردی که خانه به نام اوست، به دلایل غیرموجهی، قصد فروش خانه را داشته باشد و در نتیجه خانواده او دچار مشکلات اقتصادی شود. برای جلوگیری از این نوع از خشونت اقتصادی، قاضی تحت شرایطی می‌تواند با ارسال نامه‌ای به اداره اسناد، آن خانه را در اصطلاح خانه خانوادگی اعلام کند. در این صورت مردی که خانه به نام اوست، بدون اجازه همسر و دیگر اعضای خانواده نمی‌تواند خانه را بفروشد. این تدبیر همچنین راه را برای فروش خانه از طرف مرد، به قصد فرار از پرداخت حقوق مالی زن به هنگام طلاق، مسدود می‌کند.

قاضی برای حمایت و محافظت از قربانی که خطر جانی وی را تهدید می‌کند، می‌تواند تحت شرایطی حکم به تغییر شناسنامه و دیگر اوراق هویتی قربانی بدهد. این تدبیر از آنجا مهم است که در برخی موارد احتمال داده می‌شود، فردی بخواهد قربانی را به قتل برساند و خشونت‌گر به دنبال قربانی است، به همین دلیل لازم است دسترسی به قربانی مسدود شود. این امر به خصوص در جلوگیری از قتل‌های ناموسی کارساز است. در قتل‌های ناموسی معمولاً به هنگامی که قربانی فرار کرده باشد و یا در دسترس نباشد، خشونت‌گر به جستجوی قربانی پرداخته و سعی در یافتن او می‌کند. در کشوری همچون ترکیه، که تمام مراجعات شهروندان به مراکز اداری، درمانی، آموزشی و غیره ثبت می‌شود، امکان یافتن فرد از طریق نام و شماره ملی او راحت است. به همین دلیل در این قانون به قاضی اختیار داده شده که حکم تغییر کلیه مشخصات و برگه‌های هویتی قربانی را صادر کند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

## تدابیر پیشگیرانه از خشونت خانگی

بر طبق قانون مذکور، قضات علاوه بر تدابیر حمایتی می‌توانند احکام و دستورهای برای پیشگیری از تکرار خشونت نیز صادر کنند. از جمله تدابیر پیشگیرانه‌ای که قضات اختیار پیش‌بینی آن را دارند عبارت است از:

1- الزام خشونت‌گر به ترک تهدید، تحقیر، توهین و هرگونه خشونت کلامی دیگر

2- الزام خشونت‌گر به ترک خانه مشترک و اختصاص دادن خانه به قربانی

3- جلوگیری از نزدیک شدن خشونت‌گر به محل زندگی، کار و تحصیل قربانی

4- لغو یا محدود کردن حق ملاقات خشونت‌گر با فرزندان و الزام به دور شدن خشونت‌گر از آن‌ها

5- جلوگیری از ضرر رساندن به وسایل خانه و وسایل شخصی قربانی و الزام به ترک مزاحمت از طریق ارتباطات مخابراتی

6- منع حمل اسحله در مورد خشونت گر

7- منع استفاده از مشروبات الکلی و مواد مخدر

8- الزام خشونت گر به درمان

بر اساس این قانون، هر شهروندی می تواند گزارش خشونت خانگی را به کارمندان رسمی بدهد. این کارمندان موظف هستند که گزارش های رسیده را به مراجع مسئول اطلاع بدهند. همچنین در این قانون، مقرراتی پیش بینی شده است تا تدابیر مذکور در سریع ترین حالت ممکن صادر و اجرا شود.

## پسری که پدر سالخورده اش را کتک می زند

Photo: grigvovan/depositphotos.com

(عکس تزئینی است)

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:**

سلام! خسته نباشید!

در همسایگی ما یک پیرمرد ۵۷ ساله همراه پسر مجردش زندگی می کند. این پسر تقریباً ۰۳ ساله است و مواد مخدر هم مصرف می کند. البته کار دارد اما مواد مخدر هم مصرف می کند. بعضی وقت ها هم دوستانش را برای مصرف مواد مخدر به خانه می آورد. پیرمرد به دلیل کهولت سن و بیماری چندان نمی تواند راه برود و همسایه ها معمولاً کمکش می کنند. پسر ایشان اما خیلی بد رفتار و خشن است و مرتباً پدرش را اذیت می کند. من خودم چندین بار شنیدم که به پدرش فحش می دهد و او را تحقیر می کند. حقوق بازنشستگی اش را می گیرد و همه اش را خودش خرج می کند. خانه ای هم که می نشیند برای پیرمرد است. هر از گاهی هم صدای فریادهای این پسر را می شنویم.

اما چند روز پیش صدای شکستن شیشه آمده و مادرم رفته در خانه شان و این آقا گفته به شما ربطی ندارد. فردای آن روز ما متوجه شدیم که این آقا پدرش را کتک زده است. بعد چند نفر از همسایه ها رفتند خانه اینها و بی چاره پیرمرد گفته که پنج سال است از پسرش کتک می خورد و توانایی شکایت کردن ندارد. پول هم برای وکیل گرفتن ندارد. ضمن اینکه خودش هم نمی تواند برود دنبال وکیل و...

حالا سوال من این است: ما چطور می توانیم به این مرد کمک کنیم؟ آیا برای شکایت حتماً باید خودش برود؟

ممنون می شوم اگر راهنمایی کنید.

**جواب:**

با سلام!

قبل از پاسخ به سوالتان عرض شود که هر موقع صدای فریاد و ... شنیدید حتماً با نیروی انتظامی تماس بگیرید تا در محل حاضر شوند. صورت جلسه هایی که نیروی انتظامی تنظیم می کند خیلی می تواند مفید باشد. ضمن اینکه باعث ترس خشونت گر شده و با توجه به اعتیاد او این امکان که خشونت را تکرار کند، پایین می آورد.

در مرحله بعدی می‌توانید به اورژانس اجتماعی با شماره تلفن ۳۲۱ اطلاع دهید. این مرکز نیز تدابیر و حمایت‌هایی برای سالمندان قربانی خشونت خانگی دارد و ممکن است حمایت‌های حقوقی انجام دهد.

اما در پاسخ به سوال شما عرض شود که در قانون پیش‌بینی شده در صورت سالمند بودن فرد، دادستان خود شخصا می‌تواند مساله را تعقیب کند.

بر اساس ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، «در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی‌علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند»

### سوال:

پس الان ما چه کار می‌توانیم بکنیم تا دادستان پیگیری کند؟

### جواب:

بهرتر است یک استشهادیه تنظیم شده و به امضای همسایگان و افراد مطلع برسد.

در اظهاریه نوشته شود که امضاکنندگان مرتباً صدای داد و فریاد پسر را می‌شنوند و شاهد بدرفتاری‌های ایشان نیز هستند.

قید شود که مرد سالخورده خود اظهار داشته است بارها از طرف پسرش مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. همچنین اعتیاد شخص هم اگر نوشته شود مفید خواهد بود.

سپس نماینده‌ای از طرف خودتان به دادسرا رفته و این استشهادیه را به دادستان بدهد و تقاضای تعقیب کیفری بکند. دادستان با وجود استشهادیه موظف به پیگیری و تعقیب قضایی متهم است.

بیشتر بخوانید:

[آیا رضایت شرط ازدواج نیست؟](#)

[آیا دادگاه بچه‌ها را به من می‌دهد؟](#)

[شکنجه کودک به دست پدر: چه باید کرد؟](#)

### سوال:

این‌طور که من فهمیدم فقط می‌توانیم گزارش بدهیم و حق پیگیری و ... نداریم. آیا راهی هست که یک فرد دیگری پیگیر ماجرا شود؟

### جواب:

اصولاً خود دادستان باید پیگیر شود اما اگر بتوانید برای ایشان یک وکیل معاضدتی بگیرید بهتر است. قانوناً دادستان می‌تواند این کار را بکند و بنابراین شما در گزارشی که می‌دهید این مساله را هم عنوان کنید که ایشان توانایی راه رفتن و طرح شکایت ندارد و تقاضا کنید تا برای ایشان وکیل معاضدتی تعیین شود.

همچنین می‌توانید به کانون وکلا مراجعه کرده و از این مرکز نیز تقاضای وکیل معاضدتی کنید.

در قوانین ایران الزامی برای وجود وکیل و موافقت مقامات قضایی با وکیل معاضدتی وجود ندارد اما با توجه به وضعیت خاص همسایه شما شاید با این تقاضا موافقت شود. ضمن اینکه طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان‌های مردم‌نهادی که موضوع فعالیتشان در مورد حمایت از افراد ناتوان است حق دارند نسبت به جرایم ارتكابی مرتبط گزارش داده و مساله را پیگیری کنند. بنابراین شما می‌توانید با کمی تحقیق و جست‌وجو در اینترنت چنین سازمان‌هایی را پیدا کرده و از آنها نیز تقاضای کمک کنید.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)



## سوال:

سوال آخرم این است که اگر شکایت شود نتیجه چه می‌شود؟ آیا این امکان وجود دارد که ورود این پسر به خانه را ممنوع کنند؟

## جواب:

مجازات ضرب و جرح دیه است و در مواردی که اثرات شدیدی داشته باشد، امکان حبس نیز وجود دارد.

متأسفانه حقوق ایران مجازات‌های مستقلی برای خشونت علیه سالمندان پیش‌بینی نکرده است و مسائل در قالب مقررات عمومی بررسی می‌شود. ضمن اینکه اگر آثاری از ضرب و جرح در بدن فرد باقی نمانده باشد امکان اینکه خشونت‌گر را محکوم کرد، وجود ندارد.

در حقوق ایران اما مجازات‌های تکمیلی از جمله منع رفت و آمد یا اقامت در محل معین، تحت شرایطی پیش‌بینی شده است.

با توجه به اینکه خانه برای پدر است، در صورتی که ایشان نخواهد، بدون نیاز به حکم دادگاه ایشان می‌تواند پسرش را از اقامت در آنجا منع کند. برای این کار لازم است با پلیس تماس بگیرد و بگوید این فرد بدون رضایت من و با زور و عنف وارد منزل من شده است. شما هم می‌توانید در استشهادیه بیان کنید که پسر همسایه‌تان معتاد است و مشکلاتی برای ساکنان ایجاد کرده و پس از گرفتن تایید مرد سالخورده، آن را به کلانتری محل ببرید.

## خشونت به پدری سالمند

Photo: JungHyun Lee/www.shutterstock.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**پرویش:** سلام. من در مورد مشکل پدرم راهنمایی می‌خواهم. مادر من 7 سال قبل درگذشت و پدرم هم اکنون 78 سال دارد. کمی هم کسالت دارد ولی کارهای خودش را خودش انجام می‌دهد. برادر من که صاحب زن و فرزند است، بعد از مرگ مادرم به خانه پدرم رفتند و در کنار پدر زندگی می‌کنند. متأسفانه با وجود اینکه پدرم از لحاظ مادی خیلی به برادرم کمک می‌کند، اما ایشان و خانمش رفتار مناسبی با پدرم ندارند. مرتب شخصیت پدر را خرد می‌کنند و انواع تحقیرها و توهین‌ها را نسبت به او روا می‌دارند. برادرم و خانمش مدام منت می‌گذارند و می‌گویند اگر ما از پدر نگهداری نکنیم، تنها می‌ماند و نمی‌تواند زندگی کند. می‌گویند که پدر باید مدیون آن‌ها باشد چرا که تمام بچه‌ها او را ترک کرده‌اند و فقط ما کنارش مانده‌ایم. در صورتی که اصلاً این چنین نیست چون که بچه‌های دیگر در شهرهای دور زندگی می‌کنند و همچنین خانه پدرم در اختیار برادرم است، حتی برادرم بیشتر حقوق بازنشستگی پدر را خودش استفاده می‌کند. چند ماه در سال نیز پدرم به خانه دیگر فرزندانش می‌رود و کسی هم مشکلی ندارد. چندی پیش پدرم دو تن از اقوام را که از شهرستان آمده بودند، چند ساعتی به خانه دعوت کرد، اما همسر برادرم به مهمان‌ها خیلی بی‌احترامی کرد و حتی به آن‌ها گفت بروید جای دیگری مهمان شوید ما که مسافرخانه نیستیم. برادرم نیز در حضور مهمان‌ها به پدرم توهین کرده و گفته تو خودت اضافی هستی حالا مهمان هم دعوت می‌کنی. خلاصه پدر خیلی ناراحت هستند. بد رفتاری‌ها محدود به این‌ها نیست و هر روز تکرار می‌شود. دو روز پیش هم شنیدم که برادرم جایی گفته شاید پدر را به خانه سالمندان بسپرم. حالا سوال من این است که ما چه کار می‌توانیم بکنیم؟ مگر بر اساس قانون فرزندان نباید از والدینشان نگهداری کنند؟ آیا برادرم می‌تواند پدرم را به خانه سالمندان ببرد؟

**پاسخ:** سلام. خیلی متأسفم از مشکل پیش آمده برای پدرتان. خدمتتان عرض شود که ابتدا بهتر است خودتان و یا بزرگترها با برادرتان صحبت کنید تا مشکل را حل کنید، چون اقدام قضایی علاوه بر اینکه نیاز به صرف هزینه و وقت دارد، در برخی موارد ممکن است به نتیجه مورد نظر نرسد. از لحاظ حقوقی، مقرراتی در مورد اینکه فرزندان موظف به نگهداری از والدین باشند وجود ندارد. اما در مورد نفقه در قوانین آمده است که اولاد در صورت عدم توانایی والدین، باید نفقه آن‌ها را پرداخت کنند و اگر با وجود توانایی مالی پرداخت نکنند، مجرم هستند. البته این در مورد پدر شما صادق نیست، چون پدرتان خانه و حقوق بازنشستگی دارد و از لحاظ مالی احتیاجی به نفقه فرزندان ندارد. در مورد بد رفتاری‌ها، عرض شود که برخی از این رفتارها همچون توهین در قانون جرم‌انگاری شده است. اگر کسی به شخصی توهین کند، امکان شکایت از توهین‌کننده وجود دارد، اما در روابط خانوادگی معمولاً دادگاه‌ها تمایلی به مداخله ندارند، ضمن

این که اثبات آن هم سخت است.

بیشتر بخوانید:

[آزمایش نشان داد که این بچه من نیست](#)

[برای جدایی از شوهر بد رفتار و ناسازگار چه باید کرد؟](#)

[بعد از بارداری تازه فهمیدم ازدواج ثبت نشده](#)

**پرسش:** یعنی در ایران قانونی نداریم که بگویید نباید با سالمندان بد رفتاری شود؟

**پاسخ:** متأسفانه حقوق ایران، در این مورد دارای ضعف‌هایی است و خشونت خانگی علیه سالمندان مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. یعنی ما قانون خاصی برای حمایت از سالمندان خشونت‌دیده نداریم. فقط در قالب مقررات کلی می‌توان از خشونت‌گر شکایت کرد. مثلاً اگر شخصی سالمندی را مورد ضرب و جرح قرار دهد، یا به او افترا زده و توهین کند، امکان شکایت کیفری وجود دارد، اما رفتارهایی مانند منت گذاشتن یا بی‌احترامی و مانند آن در قوانین پیش‌بینی نشده‌اند.

**پرسش:** در مورد خانه سالمندان چطور؟ همچنین اینکه برادرم قسمتی از حقوق پدرم را برای خودش خرج می‌کند؟

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**پاسخ:** هیچ شخصی نمی‌تواند بدون رضایت شخص سالمند، او را به خانه سالمندان ببرد. بنابراین اگر پدر شما خودش موافقت نکند، برادران به هیچ وجه نمی‌توانند ایشان را به خانه سالمندان بفرستند. در مورد حقوق پدرتان هم برادران نمی‌توانند بدون رضایت ایشان آن را تصرف کرده و استفاده شخصی کنند.

**پرسش:** سوال دیگرم این است که آیا ما می‌توانیم از برادرمان شکایت کنیم تا خانه پدرم را تخلیه کند و همچنین پول‌هایی که از پدرم گرفته را بازگرداند؟ به نظر شما بهترین کاری که می‌توانیم بکنیم چیست؟

**پاسخ:** تا زمانی که پدرتان زنده است، شما نمی‌توانید از طرف او اقدام قضایی کنید، اما خودشان می‌توانند این کار را بکنند. چون خانه برای پدرتان است و هیچ رابطه موجر و مستاجر هم وجود ندارد، بنابراین پدرتان می‌تواند از طریق دادگاه تخلیه خانه را بخواهد. در مورد پول‌ها نیز اگر پدرتان این پول‌ها را قرض داده باشد و مدارکی هم داشته باشد که بتواند اثبات کند که مبالغی پرداخت کرده، می‌تواند تقاضای استرداد آن را بکند. همچنین اگر حقوق با اعمال اکراه و اجبار یا فریب تصرف شده باشد نیز می‌توان نسبت به استرداد مبالغ اقدام حقوقی کرد. توجه کنید که اگر این موارد اثبات نشود، دادگاه نسبت به استرداد پول رای صادر نمی‌کند. در مورد سوال دیگرتان عرض شود که اولین اقدامی که شما می‌توانید انجام دهید، این است که پدر را از موقعیت خشونت‌بار نجات دهید. با توجه به اینکه پدرتان خانه دارد، می‌توانید ابتدا از برادران بخواهید که خانه را ترک کند و اگر قبول نکرد، برای پدر یک وکیل بگیرید تا وکیل از طریق دادگاه برادران را ملزم به ترک خانه کند. سپس اگر پدرتان احتیاج به مراقبت دارد و هیچ یک از شما امکان مراقبت ندارید، فردی استخدام کنید تا از پدرتان مراقبت کند. خوشبختانه پدر شما از لحاظ مالی وابسته نیست، به همین دلیل می‌توانید با اموال خودش یک زندگی آبرومندانه و به دور از خشونت برایش فراهم کنید.

## [آیا رضایت شرط ازدواج نیست؟](#)

Photo: vvoenny/depositphotos.com

موسی برزین

**سوال:**

سلام!

من دانشجوی لیسانس روان‌شناسی هستم و چند سوال دارم از خدمتان.

چند روز پیش در گزارشی خواندم که لایحه‌ای در مورد ممنوعیت ازدواج کودکان به مجلس رفته اما مثل اینکه این طرح رد شده است. واقعیتش دایی من در روستا زندگی می‌کند و یک دختر ۲۱ ساله دارد که برایش خواستگار آمده. این دختر تمایلی به ازدواج ندارد و اصلاً نمی‌داند ازدواج یعنی چه اما چون در یک محیط سنتی هستند دختر دایی‌ام نمی‌تواند اظهار نظر کند. البته زن دایی‌ام مخالف است اما دایی‌ام می‌گوید دختر هر چه زودتر شوهر کند بهتر است. به هر حال من کمی در مورد این مساله تحقیق کردم و به لایحه‌ای که در مجلس رد شده برخورد کردم اما دقیقاً متوجه نشدم مساله چیست.

من چند سوال از شما دارم: اول اینکه می‌خواهم بدانم دختران زیر چه سنی نمی‌توانند ازدواج کنند؟ و اینکه آیا خود دختر ۲۱ ساله می‌تواند رضایت به ازدواج ندهد؟ در قانون خواندم که ازدواج زیر ۳۱ سال با صلاح‌دید قاضی و پدر امکان‌پذیر است. پس آیا رضایت خود دختر شرط نیست؟

**جواب:**

با سلام!

متأسفانه مساله ازدواج کودکان در ایران معضلی است که هم منشا قانونی دارد و هم منشا فرهنگی. یعنی قانون این اجازه را داده است که کودکان ازدواج کنند.

ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی ایران مقرر کرده است که ازدواج دختر زیر ۳۱ سال منوط است به اذن ولی قهری به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

این ماده قانونی اجازه می‌دهد دختران زیر ۳۱ سال با رعایت شرایطی ازدواج کنند و تاکنون نیز ازدواج تعداد قابل توجهی از دختران کم سن و سال به ثبت رسیده است. اما این ماده به این معنا نیست که رضایت خود فرد مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اگر هم ولی قهری اجازه بدهد و دادگاه هم تایید کند باز رضایت دختر شرط است و بدون رضایت او به هیچ وجه امکان ازدواج وجود ندارد. بنابراین دختر دایی شما اگر مخالف باشد هیچ کس نمی‌تواند قانوناً او را مجبور به ازدواج کند.

البته در این مواقع معمولاً شرایط فرهنگی باعث می‌شود پدر و دیگر اعضای خانواده تصمیم گیرنده باشند و خود شخص اراده‌ای برای مخالفت نداشته باشد.

**سوال:**

پس الان اگر دختر دایی من را بخواهند شوهر بدهند باید از دادگاه اجازه بگیرند؟ دادگاه چه‌طور تشخیص می‌دهد ازدواج به صلاح است یا نه؟

**جواب:**

بله، اجازه دادگاه شرط است اما هیچ ضابطه قانونی‌ای در مورد اینکه مصلحت کودک در ازدواج است، وجود ندارد. قاضی‌ها هم با توجه به اوضاع و احوال فرهنگی تصمیم‌گیری می‌کند. معمولاً در محیط‌های کوچک وقتی دختر و پسری با یکدیگر ارتباط داشته باشند، در حالی که دختر زیر ۳۱ سال باشد قضات اجازه ازدواج آنها را صادر می‌کنند.

**سوال:**

در مورد این لایحه جدید هم سوال داشتم و می‌خواهم بدانم این لایحه دقیقاً چه می‌گوید و اگر تصویب شود دیگر مشکل ازدواج دختران کم سن و سال حل می‌شود؟

**جواب:**

این لایحه جدید مقرر کرده است که: «عقد نکاح دختر قبل از ۳۱ سال تمام شمسی و پسر قبل از ۶۱ سال تمام شمسی، ممنوع است. تبصره- حداقل سن ازدواج در دختر ۶۱ سال تمام شمسی و در پسر ۸۱ سال تمام شمسی است. عقد ازدواج بین سنین ۳۱ تا ۶۱ سال در دختران و ۶۱ تا ۸۱ سال در پسران منوط به اذن ولی و رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه به شرط داشتن قابلیت صحت جسمی برای تزویج با نظر پزشکی قانونی است.»

یعنی ازدواج دختر زیر ۳۱ سال و پسر زیر ۶۱ سال به کلی ممنوع بوده و به هیچ وجه حتی با حکم دادگاه هم امکان پذیر نیست.

این لایحه گرچه ایراداتی هم دارد اما به هر حال یک گام مثبت برای ممنوعیت ازدواج کودکان است.

### سوال:

اگر دختر دایی من با فشار خانواده اش ازدواج کند آیا راهی وجود دارد که بشود این ازدواج را باطل کرد، چون من مطمئن هستم که اگر این دختر شوهر کند با مشکلات روحی و روانی زیادی مواجه خواهد شد.

بیشتر بخوانید:

[آزمایش نشان داد که این بچه من نیست](#)

[برای جدایی از شوهر بد رفتار و ناسازگار چه باید کرد؟](#)

[بعد از بارداری تازه فهمیدم ازدواج ثبت نشده](#)

### جواب:

ازدواج در صورتی ثبت می شود که دختر دایی شما رضایت خود را اعلام کند. بنابراین بعد از ازدواج فرض بر این است که خود فرد رضایت کامل داشته و اگر خلاف این ادعا شود، ادعا کننده باید اثبات کند.

با وجود این، با توجه به سن کم دختر دایی تان امکان مطرح کردن این موضوع که ایشان تحت فشار خانواده اش بوده و بدون داشتن رضایت قلبی با ازدواج موافقت کرده و بنابراین ازدواج درست نبوده است، وجود دارد.

در این مورد یک نظریه مشورتی هم وجود دارد. از اداره حقوقی قوه قضائیه در مورد سوال شده است که:

«دختر خانم ۱۱ ساله ای به ازدواج مردی درآمده و زمانی که کبیر شده دادخواستی دایر بر صدور حکم ابطال ازدواج به دادگاه تقدیم و مدعی شده که وقتی ۱۱ ساله بوده پدرش و برادرش بدون رضایت او، مردی را به عقد خوانده دعوی درآورده اند. سوال این است که آیا پدر خواهان می توانسته بدون رضایت دختر، او را به عقد ازدواج درآورد یا خیر؟»

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

این اداره نیز در نظریه شماره ۷/۳۸۶ مورخ ۳/۳/۵۷۳۱ در پاسخ به این سوال بیان داشته است:

«در صورتی که با رسیدگی های ماهوی معلوم شود عقد ازدواج بدون رضایت خواهان در سن ۱۱ سالگی که بالغ بوده صورت گرفته است، عقد فصولی بوده و نیاز به تنفیذ دارد. همچنین است اگر ثابت شود که عقد کرهاً واقع شده است، زیرا ماده ۰۷۰۱ قانون مدنی رضای زوجین را شرط نفوذ عقد می داند.»

اگر بعد از ازدواج دختر دایی شما چنین دعوی مطرح کند و تشخیص داده شود که به دلیل کمی سن رضایتش مخدوش بوده، امکان ابطال ازدواج وجود دارد اما اثبات آن بسیار دشوار است.

اگر این دعوی مورد موافقت قرار نگیرد دختر دایی شما باید در قالب عسر و حرج یعنی سختی و مشقت تقاضای صدور حکم طلاق کند که در این مورد نیز لازم است سوء معاشرت شوهر و بد رفتاری او به اثبات برسد.

---

## [آیا دادگاه بچه ها را به من می دهد؟](#)

**پرسش:** سلام. من نزدیک به ده سال است که ازدواج کرده‌ام و دو فرزند دارم. یک دختر هشت ساله و یک پسر سه ساله. متأسفانه شوهرم رفتارهای بسیار بدی در منزل دارد. او در بازار کار می‌کند و کارش تاثیر زیادی بر اعصاب او گذاشته است. بسیار خشن است و همیشه فریاد می‌زند و به زمین و زمان فحش می‌دهد. از همه چیز ناراضی است. فقط دنبال پول است و هیچ چیز دیگری برایش اهمیت ندارد. در بازار نیز همه از او شاکی هستند چون خیلی بدحساب است. چندبار طلب کارهایش در خانه آمدند و سر و صدا کردند. علاوه بر این‌ها نسبت به بچه‌ها خیلی خشن است. همیشه سرشان داد می‌زند. وقتی بچه‌ها سر و صدا می‌کنند، آن‌ها را در اتاق حبس می‌کند. بچه‌ها خیلی از پدرشان می‌ترسند. من هم هر موقع اعتراض کنم، شروع می‌کند به فحش دادن و بد و بیراه گفتن به خانواده من! آن قدر جلوی بچه‌ها فحش‌های رکیک داده که بچه‌ها هم یاد گرفته‌اند. چند وقت پیش دخترم در مدرسه به همکلاسی‌اش یک فحش زشتی داده بود که معلم من را به مدرسه خواست. همان فحشی که پدرش همیشه در خانه تکرار می‌کند. خانه را برای من و بچه‌ها جهنم کرده است. مرا تهدید می‌کند که طلاق می‌دهم. من خیلی نگران بچه‌ها هستم. با این وضعیت شخصیت و تربیت بچه‌ها خیلی بد می‌شود. خودم هم کارم به جایی رسیده که قرص اعصاب می‌خورم. چند وقت پیش با یکی از نزدیکان مشورت کردم و به این نتیجه رسیدم که جدا بشوم. نمی‌دانم تصمیم درستی گرفته‌ام یا نه، اما می‌خواستم از شما بپرسم آیا می‌توانم طلاق بگیرم؟ آیا می‌توانم سرپرستی بچه‌ها را بگیرم؟

**پاسخ:** سلام. بهتر است قبل از هر گونه اقدام قضایی، با یک مشاور خانواده نیز مشورت کنید. اگر شوهرتان موافقت کند، می‌توانید او را هم نزد مشاور ببرید. راهنمایی‌های مشاور خانواده می‌تواند در تصمیم‌گیری به شما کمک کند. اما در مورد طلاق عرض شود که زن در برخی موارد می‌تواند تقاضای طلاق دهد. در مواردی که زن در وضعیت عسر و حرج قرار گیرد، می‌تواند از شوهر خود طلاق بگیرد. عسر و حرج یعنی وضعیتی که باعث سختی و مشقت زن می‌شود. خشونت‌های شوهرتان نسبت به خودتان و بچه‌ها می‌تواند توجیهی برای طلاق باشد، اما توجه کنید که گفته‌هایتان را باید به نوعی اثبات کنید. یعنی به صرف ادعا، دادگاه حکم طلاق را صادر نمی‌کند. توجه کنید که در صورتی که یک‌طرفه تقاضای طلاق دهید، ممکن است به نتیجه رسیدن آن سال‌ها طول بکشد و این هم مشکلاتی را برای شما ایجاد خواهد کرد، چون با تقاضای طلاق به احتمال بسیار باید محل زندگی خود را جدا کنید. بنابراین بهتر این است که رضایت شوهرتان برای طلاق توافقی را جلب کنید.

**پرسش:** احتمال اینکه شوهرم قبول کند خیلی کم است، هر چند خودش برای تهدید می‌گوید که طلاق می‌دهم. حالا اگر یک‌طرفه تقاضا کنم، با توجه به اینکه رسیدگی خیلی طول می‌کشد، تکلیف بچه‌ها چه می‌شود؟ آیا می‌توانم بچه‌ها را با خودم ببرم؟

**پاسخ:** خوشبختانه در این مورد قانون حمایت خانواده، مقررات خوبی پیش‌بینی کرده است. اگر شما تقاضای طلاق دهید، می‌توانید نسبت به بچه‌ها درخواست صدور دستور موقت بدهید. یعنی از دادگاه بخواهید تا تعیین تکلیف نهایی، حکم به بودن بچه‌ها با شما دهد. بر طبق ماده 7 قانون حمایت خانواده: «دادگاه می‌تواند پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی به درخواست یکی از طرفین در اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن و محجور که تعیین تکلیف آن‌ها فوریت دارد بدون اخذ تامين، دستور موقت صادر کند. این دستور بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی قابل اجرا است. چنانچه دادگاه ظرف شش ماه راجع به اصل دعوی اتخاذ تصمیم نکند، دستور صادرشده ملغی محسوب و از آن رفع اثر می‌شود، مگر آن که دادگاه مطابق این ماده دوباره دستور موقت صادر کند.» البته توجه کنید صدور دستور موقت برای قاضی الزامی نیست. شما باید مدارک و شواهد کافی مبنی بر اینکه سلامت و تربیت بچه‌ها از سوی پدرشان در خطر است ارائه دهید. می‌توانید در این مورد افراد مطلع را به عنوان شاهد به دادگاه معرفی کنید. به هر حال اثبات موضوع بر عهده شما است.

بیشتر بخوانید:

[آزمایش نشان داد که این بچه من نیست](#)

[برای جدایی از شوهر بد رفتار و ناسازگار چه باید کرد؟](#)

[بعد از بارداری تازه فهمیدم ازدواج ثبت نشده](#)

**پرسش:** آیا بدون تقاضای طلاق می‌توانم بچه‌ها را از پدرشان دور کنم؟ چون بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم که جدا بشوم و فقط به نوعی بچه‌ها را نجات بدهم. چون طلاق در خانواده ما خوب نیست و از لحاظ اجتماعی مشکلات زیادی را می‌تواند به وجود آورد. پدر و مادرم حتماً با طلاق گرفتن من مخالفت می‌کنند.

**پاسخ:** این امکان وجود دارد اما کمی دشوار است. بر طبق ماده 1173 قانون مدنی: «هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل و یا به تقاضای قیم او، یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.»

با استناد به این ماده می‌توانید از دادگاه بخواهید که در راستای مصلحت فرزند، دستور جدا کردن محل زندگی کودکان با پدرشان را صادر کند. اما باز باید توجه کنید که تا دادگاه قانع نشود که تربیت بچه در خطر است، چنین دستوری را صادر نخواهد کرد. یعنی مهم‌ترین مسأله‌ای که شما باید در نظر داشته باشید، اثبات رفتارهای خشونت‌آمیز همسران است. به احتمال زیاد همسران خشونت را انکار خواهد کرد. شما باید از هم‌اکنون مدارکی دال بر خشونت شوهرتان جمع‌آوری کنید.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**پرسش:** اگر طلاق بگیریم، آیا دادگاه بچه‌ها را به من می‌دهد؟ هدف اصلی من از جدا شدن، این است که بچه‌ها با پدرشان زندگی نکنند.

**پاسخ:** بر اساس قوانین ایران حضانت فرزند تا 7 سالگی بر عهده مادر و پس از آن با پدر است، مگر اینکه پس از 7 سالگی اختلاف حاصل شود، که در این مورد دادگاه تصمیم می‌گیرد. بنابراین در صورت طلاق حضانت دخترتان با پدرش خواهد بود، مگر اینکه ثابت کنید که رفتار پدر با بچه‌ها خوب نیست و مصلحت دخترتان، زندگی کردن با شماست. البته توجه کنید که فرزند پس از بلوغ، از سن حضانت خارج می‌شود و خود می‌تواند در مورد اینکه با چه کسی زندگی کند، تصمیم بگیرد. بنابراین تا شما دادخواست طلاق بدهید و رسیدگی شود دخترتان به نه سالگی رسیده و خودش می‌تواند تصمیم بگیرد که با چه کسی زندگی کند. اگر دخترتان خواست که با شما زندگی کند، پدرش نمی‌تواند مانع شود.

## وقتی پدر، فرزند را به مادرش تحویل نمی‌دهد

Photo: Polina /www.shutterstock.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

سوال:

سلام!

من شش سال پیش ازدواج کردم و یک فرزند دختر سه ساله هم دارم. با شوهرم اختلافات زیادی داشتیم. ایشان در طول زندگی مان خیلی من را اذیت کرد. در ابتدا به من تهمت ارتباط با مردهای بیگانه را می‌زد و بعد هم تا حد زیادی من را محدود کرد. هر وقت می‌خواستم بروم بیرون یا باید با خودش می‌رفتم یا با مادر یا خواهرش.

چون در همسایگی خانواده شوهرم زندگی می‌کردیم، مادر و خواهر شوهرم مرتباً در زندگی ما دخالت می‌کردند. حق صحبت به جز با خانواده خودم را نداشتم و وقتی در مراسمات و مهمانی‌ها با مردهای فامیل صحبت می‌کردم ناراحت می‌شد و چند روز با من بدرفتاری می‌کرد.

در مقابل خودش خوشگذران بود و با هر کسی می‌خواست رفت و آمد می‌کرد. مرتباً با گوشی با خانم‌های همکارش چت می‌کرد و وقتی اعتراض می‌کردم می‌گفت من مردم و هر کاری بخواهم می‌توانم بکنم. خانواده‌اش هم از ایشان حمایت می‌کردند فقط پدر شوهرم پشت سر من بود.

چند بار قهر کردم و رفتم خانه پدرم اما جواب نداد تا اینکه تصمیم به طلاق گرفتم. با مصیبت بسیار توانستم حکم طلاقم را بگیرم. دادگاه ایشان را به مهریه هم محکوم کرد و حضانت بچه را به من داد اما علی‌رغم این حکم، ایشان بچه را به من تحویل نمی‌دهد و می‌گوید اگر بخواهی بچه را بگیری می‌برمش خارج از کشور. هدف ایشان فقط این است که من از مهریه گذشت کنم. حالا سوال من این است که برای گرفتن بچه چه کار باید بکنم؟

جواب:

سلام!

ایشان قانونا موظف است دخترتان را به شما تحویل بدهد. بهتر است شما به اجرام احکام شعبه‌ای که رای را صادر کرده است بروید و بخواهید که دستور بدهند تا حکم از طریق نیروی انتظامی اجرا شود. نیروی انتظامی دخترتان را از ایشان خواهد گرفت.

از طرف دیگر بر اساس ماده ۰۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۹۳۱، «هر کس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذی‌نفع و به دستور دادگاه صادر کننده رأی نخستین تا زمان اجرای حکم بازداشت می‌شود.»

بر اساس این ماده شما می‌توانید به شعبه دادگاه خانواده صادر کننده حکم رفته و تقاضای بازداشت ایشان به دلیل عدم استرداد طفل را مطرح کنید. در این صورت قاضی می‌تواند دستور بازداشت ایشان را صادر کند تا استرداد کودک تسهیل شود.

بیشتر بخوانید:

[آزمایش نشان داد که این بچه من نیست](#)

[برای جدایی از شوهر بد رفتار و ناسازگار چه باید کرد؟](#)

[بعد از بارداری تازه فهمیدم ازدواج ثبت نشده](#)

سوال:

برادر شوهرم در خارج زندگی می‌کند و خودش هم تهدید کرده که بچه را می‌برم خارج. دخترمان پاسپورت هم دارد چون قبلا یک بار رفتیم ترکیه. ترس من این است که ایشان دخترم را ببرد خارج. پاسپورت هم دست اوست. من چه کاری می‌توانم بکنم تا نتواند این کار را بکند؟

جواب:

بر اساس قانون ایشان نمی‌تواند بدون اجازه شما کودک را از کشور خارج کند.

ماده ۲۴ قانون حمایت از خانواده در این باره مقرر کرده است: «صغیر و مجنون را نمی‌توان بدون رضایت ولی، قیم، مادر یا شخصی که حضانت و نگهداری آنان به او واگذار شده است از محل اقامت مقرر بین طرفین یا محل اقامت قبل از وقوع طلاق به محل دیگر یا خارج از کشور فرستاد، مگر اینکه دادگاه آن را به مصلحت صغیر و مجنون بداند و با در نظر گرفتن حق ملاقات اشخاص ذی‌حق این امر را اجازه دهد. دادگاه در صورت موافقت با خارج کردن صغیر و مجنون از کشور، بنا بر درخواست ذی‌نفع، برای تضمین بازگرداندن صغیر و مجنون تأمین مناسبی اخذ می‌کند.»

توجه کنید که گرفتن اجازه از دادگاه بسیار دشوار است و منظور از مصلحت هم مواردی مانند درمان است. اما علی‌رغم وجود این ماده دخترتان خود به خود ممنوع‌الخروج نیست. یعنی اگر شما اقدامی برای ممنوع‌الخروجی نکنید، پدرش در خارج کردن کودک از مرز مشکلی نخواهد داشت.

در یک نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه بیان شده است که مادر می‌تواند فرزند خود را ممنوع‌الخروج کند. از این اداره پرسیده شده است: «... در صورتی که پدر قصد خروج از کشور فرزندش را داشته باشد، آیا مادر یا سایر اشخاص در ماده ۲۴ یاد شده حق ممنوع‌الخروج کردن طفل از کشور را دارند یا خیر؟»....

این اداره نیز در پاسخ بیان کرده است: «مادر یا شخص دیگری که به حکم دادگاه عهده‌دار حضانت فرزند است، می‌تواند نسبت به ممنوع‌الخروجی فرزند اقدام کند تا ولی قهری نتواند بدون رضایت ایشان، نسبت به خروج فرزند اقدام کند.» (نظریه شماره ۷/۲۹/۷۶۹۱ - ۲۹۳۱/۰۱/۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه)

سوال:

سوال دیگر من در مورد تهدیدهای ایشان است. مرتبا به من پیام می‌فرستد که آبرویت را می‌برم و نمی‌گذارم آب خوش از گلویت پایین برود. رفته محل کار پدرم و با ایشان درگیر شده است. من الان یک چهارم حقوقش را توقیف کرده‌ام و باید ۰۱ سکه هم پیش پرداخت بدهد. از اینکه من می‌خواهم مهریه را بگیرم خیلی عصبانی است. ما یک همسایه‌ای داریم که با ایشان همکاری است. به من افترا می‌زند که با این همسایه در ارتباط هستم و همه جا هم این را گفته و آبروی من و خانواده‌ام را برده. به دروغ گفته خودم در گوشی دیده‌ام که به همدیگر عکس‌های برهنه می‌فرستند. من می‌خواهم در این مورد نیز از ایشان شکایت کنم تا بترسد و به این کارش ادامه ندهد.

جواب:

تهدید و افترا هر دو جرم است. البته تهدید و افترا وقتی جرم است که فرد قصد آن را داشته باشد؛ یعنی اگر در اثر عصبانیت و بدون نسبت دادن عملی باشد تهدید و افترا محقق نمی‌شود اما به نظر می‌رسد بتوانید شوهرتان را به جرم افترا محکوم کنید.

توجه کنید که باید اثبات کنید ایشان رابطه نامشروع به شما نسبت داده است. اگر شاهدهی دارید که ایشان این حرف‌ها را زده یا اینکه از طریق پیامک به شما نسبت ناروا داده است، این موارد را می‌توانید به عنوان مدرک به دادسرا و دادگاه ارائه کنید.

## همسر وسواسی

Photo: chiharu-t//depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**پوشش:** سلام. من دو سال است که با یکی از هم‌کلاسی‌های سابق در دانشگاه ازدواج کرده‌ام. همسرم بسیار انسان خوبی است و با هم مشکلی نداریم. فقط یک مساله وجود دارد که نمی‌توانم آن را تحمل کنم. خانمم بسیار وسواسی است. هر روز چند ساعت دست‌هایش را می‌شوید و مرتب خانه را تمیز می‌کند. وقتی خانه می‌آیم مجبورم تمام لباس‌هایم را در آورم و حمام کنم و بعد لباس دیگری بپوشم. وقتی غذا می‌خوریم همیشه حواسش به من است که چیزی زمین نریزد. آنقدر از مایعات تمیز کننده استفاده کرده که پوست دستش کنده شده است. وسواسی بودن خانمم اصلا عادی نیست و باعث شده که هیچ‌کس به خانه ما نیاید. چند بار رفتیم پیش دکتر و روانشناس که فایده‌ای نداشت. همین مساله باعث شد که رابطه ما بد بشود. چند بار قول داد که وسواسی بودن را ترک کند اما دست خودش نیست. به هر حال من با اینکه همسرم را دوست دارم اما نمی‌توانم تحمل کنم. چند وقت است که خانمم تحت‌تاثیر حرف‌های مادرش می‌گوید که باید بچه‌دار بشویم و من می‌گویم که اگر بچه‌دار شویم با مشکل مواجه خواهیم شد و سلامت بچه به خطر می‌افتد چون مطمئنم خانمم بچه را مریض خواهد کرد. از طرف دیگر به هر حال من هم دوست دارم بچه داشته باشم. خلاصه خودم هم نمی‌توانم تصمیم بگیرم. با یک دوست روانشناس صحبت کردم، گفت که آمدن بچه هیچ تاثیری بر وسواس همسرم نخواهد گذاشت و سلامت بچه هم ممکن است به خطر بیافتد. الان چند سوال از شما دارم. آیا از نظر قانونی من می‌توانم جلوی باردار شدن همسرم را بگیرم؟ آیا اگر تصمیم به طلاق بگیرم می‌توانم خانمم را به دلیل وسواسی بودن طلاق بدهم؟

**پاسخ:** سلام. اگر منظورتان از جلوگیری از جلوگیری از بارداری اجبار به عمل جراحی و مانند آن است، شما چنین حقی ندارید. یعنی نمی‌توانید همسرتان را مجبور کنید که از طریق عمل جراحی نازا شود. همچنین اجبار به استفاده از قرص و دیگر وسایل پیشگیری از بارداری از طریق قانونی امکان‌پذیر نیست. باید توجه کنید که هر گونه اجبار به باردار نشدن، نوعی خشونت محسوب می‌شود، اما همسرتان نیز نمی‌تواند شما را ملزم به این کند که فرزندی داشته باشید. یعنی اگر شما حاضر به بچه‌دار شدن نباشید، خانمتان نمی‌تواند با قانون شما را ملزم بدان کند. توجه کنید که الزام به بچه‌دار شدن یا نشدن و یا جلوگیری از بارداری راهکارهای قانونی ندارد. شما باید این مساله را با توافق و با مشاوره با روانشناسان و دیگر متخصصان حل کنید.

**پوشش:** در مورد طلاق چطور؟ آیا وسواسی بودن دلیل قانونی برای طلاق است؟

**پاسخ:** بر اساس قوانین ایران، مرد هر وقت که بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق بدهد، بدون اینکه احتیاجی به دلیل داشته باشد. برای طلاق باید به دادگاه خانواده بروید و تقاضای طلاق کنید. اما به هر حال اگر تصمیم به جدایی دارید، بهتر است رضایت همسرتان را نیز جلب کنید و اقدام به طلاق توافقی کنید.

بیشتر بخوانید:

[آزمایش نشان داد که این بچه من نیست](#)



[برای جدایی از شوهر بد رفتار و ناسازگار چه باید کرد؟](#)

[بعد از بارداری تازه فهمیدم ازدواج ثبت نشده](#)

**پرسش:** بعضی از دوستانم پیشنهاد می کنند که ازدواج مجدد داشته باشم، بدون اینکه خانمم را طلاق بدهم. از یک طرف نمی توانم خودم را راضی به جدایی کنم و عذاب وجدان دارم، از طرف دیگر این زندگی غیر قابل تحمل است و از بچه دار شدن هم می ترسم. به نظر شما ازدواج مجدد صحیح است؟ آیا قانون این اجازه را می دهد؟

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**پاسخ:** در این مورد بهتر است با متخصصان امور خانواده صحبت کنید. به هر حال چند همسری از لحاظ عرفی یک امر ناپسندیده است و مشکلات بسیاری می تواند به همراه داشته باشد، اما از لحاظ قانونی چند همسری برای مرد به رسمیت شناخته شده است. ازدواج مجدد شرایطی دارد. بر طبق ماده 16 قانون حمایت خانواده مصوب 1353: «مرد نمی تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

- ۱ - رضایت همسر اول
- ۲ - عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی
- ۳ - عدم تمکین زن از شوهر
- ۴ - ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸
- ۵ - محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸
- ۶ - ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸
- ۷ - ترک زندگی خانوادگی از طرف زن
- ۸ - عقیم بودن زن
- ۹ - غائب مفقود الاثر شدن زن برابر بند ۴۱ ماده ۸.»

مطابق بند 5 ماده 8 این قانون نیز آمده است که : ابتلا زن به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد، می تواند دلیلی برای ازدواج مجدد باشد. برای ازدواج مجدد بدون رضایت همسر، باید اجازه دادگاه را داشته باشید، گرچه بدون این اجازه از لحاظ شرعی مشکلی وجود ندارد. همان طور که گفته شد، چند همسری امر ناپسندی در بسیاری از جوامع است.

---